

خدا جون سلام به روی ماهت...



ناسرخیلی متفاوت کتابهای کودک و نوجوان!

هری پاتر و فرزند نفرین شده



بر اساس داستانی از

جی کی رولینگ

جک ثورن، جان تیفانی

آرزو مقدس، نیلوفر امنزاده



هیری پاتر

فرزند نفرین شده

بر اساس داستانی از
جی کی رولینگ، جک ثورن، جان تیفانی
آرزو مقدس، نیلوفر امن زاده

قسمت اول





قسمت اول
پرده‌ی اول



پرده‌ی اول صحنه‌ی اول

ایستگاه راه‌آهن کینگزکراس^۱

ایستگاه شلوغ و پرازدحام است و پر از مردمی که تلاش می‌کنند زودتر به مقصدشان برسند. در میان ازدحام جمعیت، دو قفس بزرگ روی دو چرخ‌دستی تلق‌تلق می‌کنند. دو پسر بچه، جیمز پاتر^۲ و آلبوس پاتر^۳، چرخ‌دستی‌ها را هل می‌دهند و مادرشان، جینی^۴، هم پشت سر آن‌ها می‌آید. مردی سی‌وهفت‌ساله و دختری که روی شانه‌های او نشسته هم به دنبال آن‌ها؛ هری و دخترش لی‌لی!

آلبوس

بابا. بازم داره می‌گه.

هری

بس کن دیگه، جیمز.

جیمز

من فقط گفتم ممکنه بیفته تو اسلیترین^۵. تازه ممکنه حتی... (پدرش چشم‌غره می‌رود). خیلی خوب.

آلبوس (سرش را بالا آورده و به مادرش نگاه می‌کند)
قول می‌دی برام نامه بنویسی؟

-
1. King's Cross Station
 2. James Potter
 3. Albus Potter
 4. Ginny
 5. Slytherin

جینی

آگه تو بخوای حاضرم هر روز برات نامه بنویسم.

آلبوس

نه؛ هر روز نه. جیمز می‌گه برای بیشتر بچه‌ها فقط ماهی یه نامه می‌آد.
نمی‌خوام مسخره...

هری

پارسال ما هفته‌ای سه‌تا نامه برای برادرت می‌فرستادیم.

آلبوس

چی؟ جیمز!

آلبوس با خشم و سرزنش به جیمز نگاه می‌کند.

جینی

خلاصه این‌که گمون کنم به نفعته هر چی جیمز درباره‌ی هاگوارتز^۱ می‌گه رو
باور نکنی. برادرت دوست داره سر کارت بگذاره.

جیمز (با نیش‌خند)

می‌شه لطفاً دیگه بریم؟ لطفاً!

آلبوس به پدر و سپس به مادرش نگاه می‌کند.

جینی

اصلاً کاری نداره؛ فقط باید مستقیم به طرف دیوار بین سکوه‌های^۲ نه و ده
حرکت کنی و ازش رد شی.

لی‌لی

هورا! هورا!

هری

مکث نکن و حواست باشه که از برخورد به دیوار نترسی، این خیلی مهمه.

1. Hogwarts

آگه نگرانی، بهتره به طرف دیوار بدوی.

آلبوس

من حاضریم.

هری و لالی دست‌هاشان را روی دسته‌ی چرخ‌دستی آلبوس می‌گذارند - جینی
چرخ‌دستی جیمز را می‌گیرد - و همه‌ی اعضای خانواده با هم، به طرف دیوار
می‌دوند.





پرده‌ی اول صحنه‌ی دوم

سکوی نُه و سه چهارم

بخار سفید و غلیظی که از قطار هاگوارتز خارج می‌شود، همه‌ی سکو را در بر گرفته. این جا هم حسابی شلوغ است، اما به جای مردمی که کت و شلوارهای شیک و رسمی پوشیده‌اند و مشغول کارهای همیشگی‌شان هستند، پر از جادوگران و ساحره‌هایی‌ست که شنل‌های بلند به تن دارند و سعی می‌کنند با فرزندان دل‌بندشان خداحافظی کنند.

آلبوس

بالآخره رسیدیم.

لی‌لی

وای!

آلبوس

سکوی نه و سه چهارم.

لی‌لی

پس کوشن؟ یعنی رسیدن؟ شاید اصلاً نیومدن؟

هری به سمت رون^۱ و هرمیون^۲ و دخترشان، رز^۳ اشاره می‌کند و لی‌لی به طرف آن‌ها می‌دود.

-
1. Ron
 2. Hermione
 3. Rose

دایی رون. دایی رون!!!

رون به طرف آن‌ها برمی‌گردد. لیلی به طرفش می‌دود، رون او را بلند می‌کند و در آغوشش می‌گیرد.

رون

بِه‌بِه! بهترین عضو خانواده‌ی پاتر!

لیلی

حُقه‌ی جدید چی داری؟

رون

اسم «نفسِ دماغ‌دزد با گواهی‌نامه‌ی رسمی از شوخی‌فروشی برادران ویزلی»^۱ به گوشت خورده؟

رُز

مامان! بابا باز داره حقه‌ی بی‌نمکش رو اجرا می‌کنه.

هرمیون

تو می‌گی بی‌نمک، خودش می‌گه باشکوه، من می‌گم... یه چیزی بین این دو تا.

رون

وایسا ببینم. اول یه کم از این... هوا رو بخورم. بعدش فقط کافیه... ببخشید آگه دهنم بوی سیر می‌ده...

رون نزدیک صورت لیلی نفس می‌کشد. لیلی نخودی می‌خندد.

لیلی

دهنت بوی شوربا می‌ده.

رون

بینگ. بَنگ. بونگ. خانم جوان، آماده باش دیگه نتونی هیچ بویی رو احساس کنی...

1. Weasley

رون دماغ دخترک را می‌کشد.

لی‌لی

دماغم کو؟

رون

اینها!

دستش خالی است. حقه‌ی خیلی بی‌نمکی‌ست. همه از بی‌نمکی‌اش لذت می‌برند.

لی‌لی

خیلی بامزه‌ای!

آلبوس

باز همه دارن نگاهمون می‌کنن.

رون

به‌خاطر منه! آخه خیلی معروفم. حقه‌هایی که با دماغ اجرا می‌کنم خیلی باشکوه‌ان!

هرمیون

آره واقعاً دیدنی‌ان!

هری

راستی، ماشینت رو راحت پارک کردی؟

رون

آره بابا. هرمیون باورش نمی‌شد بتونم تو آزمون رانندگی شاسکول‌ها قبول شم. فکر می‌کرد مجبور می‌شم طلسمش کنم.

هرمیون

هیچ هم چنین فکری نکردم؛ من کاملاً بهت ایمان دارم.

۱. Muggles؛ جادوگرها برای صحبت کردن راجع به آدم‌های عادی از صفت تحقیرآمیز Muggles استفاده می‌کنند.

رز

منم کاملاً ایمان دارم که افسر آزمون رو طلسم کرده.

رون

دهه!

آلبوس

بابا...

آلبوس، شغل هری را می‌کشد. هری پایین را نگاه می‌کند.

به نظرت... اگه واقعاً... اگه بیفتم تو اسلیترین چی...

هری

خب ایرادش چیه؟

آلبوس

آخه اسلیترین خونهای ماره، خونهای جادوی سیاه... نه خونهای جادوگرای شیردل.

هری

آلبوس سیوروس! ما اسم دوتا از مدیران هاگوارتز رو برای تو انتخاب کردیم که یکی شون از خونهای اسلیترین بود و می‌تونم بگم شجاع‌ترین مردی بود که به عمرم شناختم.

آلبوس

ولی حالا اگه...

هری

خب اگه این قدر برات مهمه، این رو بدون که کلاه کلاس‌بندی به نظر خودت هم اهمیت می‌ده.

آلبوس

واقعاً؟

1. Severus

هری

آره برای من که این کارو کرد.

هری تا به حال به هیچ کس در این باره چیزی نگفته بود. خاطرات، چند لحظه‌ای به ذهنش هجوم می‌آوردند.

هاگوارتز ازت یه جادوگر عالی می‌سازه. باور کن هیچ چیزی اون جا نیست که ازش بترسی.

جیمز

البته به جز تسترال‌ها! حواست به اون اسب‌های افسانه‌ای باشه.

آلبوس

ولی من فکر می‌کردم اون‌ها نامرئی باشن!

هری

به حرف معلم‌ها گوش کن، نه به حرف جیمز. و یادت باشه که حسابی خوش بگذرونی. حالا اگه می‌خوای از قطارت جا نمونی بهتره سوار شی...

لی‌لی

من تا ته ایستگاه دنبال قطار می‌دوئم.

جینی

بیا این‌جا ببینم لی‌لی.

هرمیون

رُز، یادت باشه سلام گرم ما رو به نویل^۲ برسونی.

رز

من که نمی‌تونم برم به معلم سلام گرم برسونم!

رز از صحنه خارج و سوار قطار می‌شود. آلبوس برمی‌گردد، برای آخرین بار هری

و جینی را بغل می‌کند و به دنبال رز می‌رود.

1. Thestral

2. Neville

آلبوس
خداحافظ.

آلبوس سوار قطار می‌شود. هرمیون، جینی، رون و هری ایستاده‌اند و به قطار نگاه می‌کنند؛ صدای سوت در سکو می‌پیچد.

جینی
چیزی شون که نمی‌شه، نه؟

هرمیون
هاگوارتز خیلی بزرگه.

رون
بزرگ؛ باشکوه؛ پر از غذا؛ حاضرم هر کاری بکنم که بتونم دوباره برگردم اون‌جا.

هری
خیلی عجیبه که آل^۱ نگران بود بیفته تو اسلیترین.

هرمیون
این که چیزی نیست، رز نگران اینه که سال اول می‌تونه رکورد بیشترین امتیاز کوییدیچ^۲ رو بشکنه یا سال دوم و این که چند سال زودتر از بقیه می‌تونه تو آزمون سطح مقدماتی جادوگری شرکت کنه.

رون
واقعاً معلوم نیست این‌همه بلندپروازی این دختر به کی رفته؟!

جینی
هری، نظر تو درباره‌ی این که آل بیفته تو...؟

رون
می‌دونی چیه جین؟ ما همیشه فکر می‌کردیم ممکنه تو بیفتی تو اسلیترین.

1. Al
2. Quidditch

جینی

چی؟

رون

راست می‌گم، فُرد^۱ و جورج^۲ همیشه می‌گفتند.

هرمیون

می‌شه بریم؟ مردم باز دارن نگاهمون می‌کنند.

جینی

هر وقت شما سه تا با هم باشید، مردم نگاهتون می‌کنند. با هم نباشید هم نگاهتون می‌کنند. کلاً همیشه همه نگاهتون می‌کنند.

چهار نفری از صحنه خارج می‌شوند. جینی جلوی هری را می‌گیرد.

جینی

هری... چیزیش که نمی‌شه، نه؟

هری

معلومه که نه.



1. Fred
2. George



پرده‌ی اول صحنه‌ی سوم

قطار هاگوارتز

آلبوس و رز در راهروی قطار راه می‌روند.
ساحره‌ی شکلات‌فروش که چرخ‌دستی‌اش را هل می‌دهد، به طرفشان می‌آید.

ساحره‌ی شکلات‌فروش
خوراکی نمی‌خواید بچه‌ها؟ کیک کدوتنبل؟ قورباغه‌ی شکلاتی؟ کیک
دیگی؟

رز (متوجه نگاه پرعلاقه‌ی آلبوس به قورباغه‌های شکلاتی می‌شود)
ال، باید حواسمون رو جمع کنیم.

آلبوس
چرا؟

رز
باید حواسمون باشه کی رو برای دوستی انتخاب می‌کنیم. مامان و بابای
من تو قطارِ سالِ اول با بابای تو آشنا شدن...

آلبوس
یعنی باید الان تصمیم بگیریم که می‌خوایم تا آخر عمرمون با کی دوست
باشیم؟ چه ترسناک!

رز

اتفاقاً خیلی هم هیجان انگیزه. من یه گرنجر^۱ – ویزلی ام. تو هم که پاتری، همه دلشون می‌خواد باهامون دوست باشن و ما می‌تونیم هر کسی که خواستیم رو انتخاب کنیم.

آلبوس

خب حالا باید چه جوری تصمیم بگیریم که تو کدوم کوپه بریم...؟

رز

به همه‌شون امتیاز می‌دیم و بعد تصمیم می‌گیریم.

آلبوس یکی از درها را باز می‌کند و پسری با موهای بور، را می‌بیند که تنها در کوپه‌ای خالی نشسته: اسکوریوس^۲. آلبوس لبخند می‌زند. اسکوریوس هم به او لبخندی می‌زند.

آلبوس

سلام، این کوپه...

اسکوریوس

خالیه. فقط منم.

آلبوس

آخ جون، پس می‌شه ما... بیایم تو... فقط چند دقیقه؟... آگه اشکالی نداشته باشه.

اسکوریوس

اشکالی نداره. سلام.

آلبوس

آلبوس. ال. من... اسمم آلبوسه...

1. Granger

2. Scorpius

اسکورپیوس

سلام؛ اسکورپیوس. منظورم اینه که اسم من اسکورپیوسه. تو آلبوسی. من اسکورپیوسم. و تو هم باید...

چهره‌ی رز سرد و سردتر می‌شود.

رز

رز.

اسکورپیوس

سلام رز. آب‌نبات گازدار می‌خوری؟

رز

نه، تازه صبحونه خوردم.

اسکورپیوس

شوگ شکلاتی، کوتوله‌ی فلفلی و کرم ژله‌ای هم دارم. مامانم همیشه می‌گه (شروع می‌کند به آواز خواندن) «با شیرینی می‌شه راحت دوست پیدا کرد» (متوجه می‌شود آواز خواندن کار اشتباهی بود). البته احتمالاً اشتباه می‌کنه.

آلبوس

من یه کم برمی‌دارم... مامان من اجازه نمی‌ده شیرینی بخورم. به نظرت اول از کدوم بخورم؟

رز به دور از چشم اسکورپیوس به آلبوس شُلمه می‌زند.

اسکورپیوس

خب معلومه! به نظر من کوتوله‌ی فلفلی سلطان همه‌ی شیرینی‌هاست. آب‌نبات‌های نعنایی هم که باعث می‌شه از گوش‌های آدم دود بیرون بیاد.

آلبوس

آخ جون، پس منم همین رو... (رز دوباره آلبوس را با آرنجش می‌زند) رز، می‌شه این قدر من رو نزن؟

۱. یعنی یک ضربه با نوک انگشتانش به او می‌زند.

رز

من نمی‌زنمت.

آلبوس

چرا داری می‌زنی و خیلی هم درد می‌گیره.

چهره‌ی اسکورپیوس غمگین می‌شود.

اسکورپیوس

داره به خاطر من می‌زندت.

آلبوس

چی؟

اسکورپیوس

ببین، من می‌دونم تو کی هستی پس تو هم حق داری بدونی من کی‌ام.

آلبوس

منظورت چیه از این‌که می‌دونی من کی هستم؟

اسکورپیوس

تو آلبوس پاتری. این رز گرنجر-ویزلیه. منم اسکورپیوس مالفوی^۱ هستم. پدر و مادرم هم آستوریا^۲ و دریکو^۳ مالفوی هستند و پدر و مادرامون... خیلی از هم خوششون نمی‌یاد.

رز

اون قدر هم ساده نیست. پدر و مادر تو مرگ‌خوار^۴ند!

اسکورپیوس (از حرف رز ناراحت شده)

بابام بود... اما مامانم نبود.

-
1. Malfoy
 2. Astoria
 3. Draco

۴. Death Eater؛ لقب پیروان ولدمورت، سیاه‌ترین جادوگر دنیای سحر و جادو

رز رویش را برمی‌گرداند و اسکورپیوس دلیل این کار را می‌داند.

من از شایعه خبر دارم و می‌دونم که دروغه.

آلبوس به رز که معذب است و اسکورپیوس که درمانده شده نگاه می‌کند.

آلبوس

چه شایعه‌ای؟

اسکورپیوس

این‌که پدر و مادر من بچه‌دار نمی‌شدند و پدر و پدربزرگم خیلی دلشون می‌خواست یه وارث قدرتمند داشته باشند تا نسل خاندان مالفوی ادامه پیدا کنه و... از یه وقت برگردون استفاده کردن و مادرم رو برگردوندن...

آلبوس

کجا برگردوندنش؟

رز

آلبوس، شایعه اینکه که ولدمورت، پدرشه.

سکوتی وحشتناک و ناراحت‌کننده.

احتمالاً دروغه بابا. یعنی... تو که دماغ داری.

سنگینی فضا کمی کم‌تر می‌شود. اسکورپیوس می‌خندد و با درماندگی خود را

مدیون آلبوس می‌داند.

اسکورپیوس

تازه دماغم عین مال بابامه! دماغش، موهاش و اسمش رو به ارث بردم. البته نه که خیلی هم راضی باشم. منظورم اینکه که... ما هم مشکلات پدر و پسری داریم. ولی خب کلاً پسرِ مالفوی بودن بهتر از اینکه که پسر ارباب تاریکی باشی.

اسکورپیوس و آلبوس به هم نگاهی می‌کنند و انگار چیزی میانشان رد و بدل می‌شود.

1. Voldemort

رز
آره خب، گمونم بهتره ما يه جا ديگه بشينيم. راه بيغت آلبوس.

آلبوس حسايي به فكر فرو رفته.

آلبوس

نه. (بدون نگاه كردن به رز) من همين جا مي مونم. تو برو...

رز

آلبوس، منتظرت نمي مونمها!

آلبوس

منم نمي خوام منتظرم بموني. همين جا مي مونم.

رز نگاه کوتاهی به او مي کند و از كوپه خارج مي شود.

رز

خيلي خب!

اسكوريپوس و آلبوس باقي مي ماندند و نگاهی نامطمئن به هم مي اندازند.

اسكوريپوس

ممنونم.

آلبوس

نه، نه. به خاطر تو نمودم كه... به خاطر شيريني هات نمودم.

اسكوريپوس

خيلي دختر سخت گيريه.

آلبوس

آره؛ ببخشيد.

اسكوريپوس

نه. خوشم اومد. دوست داري آلبوس صدارت كنم يا ال؟

اسکورپیوس می‌خندد و دو آب‌نبات را پرتاب می‌کند توی دهانش.

آلبوس (کمی فکر می‌کند)

آلبوس.

اسکورپیوس (در حالی که از گوش‌هایش دود بیرون می‌زند)

متشکرم که به خاطر شیرینی‌هام موندی، آلبوس!

آلبوس (می‌خندد)

وای.





پرده‌ی اول صحنه‌ی چهارم

صحنه‌ی متغیر

حالا در دنیای نامعلومی پر از تغییرات زمانی هستیم. در این صحنه، همه‌چیز درباره‌ی جادوست. در میان دنیاها‌ی گوناگونی سیر می‌کنیم و تغییرات خیلی سریع اتفاق می‌افتند. صحنه‌های خاص و مشخصی وجود ندارد و همه‌ی اتفاقات چندپاره هستند و فقط گذر زمان را به تصویر می‌کشند.

ابتدا در هاگوارتز هستیم، در تالار بزرگ. همه در حال چرخیدن دور آلبوس هستند.

پالی چِپمن^۱

آلبوس پاتر.

کارل چنکینز^۲

یکی از پاترها هم‌دوره‌ی ماست.

یان فردریکس^۳

موه‌اش به باباش رفته. موه‌اش درست عین باباشه.

رز

پسرعمه‌ی منه. (همه به طرف رز برمی‌گردند) من رز گرنجر – ویزلی هستم.

خیلی از آشنایی‌تون خوش‌حالم.

1. Polly Chapman

2. Karl Jenkins

3. Yann Fredricks

کلاه کلاس‌بندی میان دانش‌آموزان می‌چرخد و همه به خانه‌هایشان پرتاب می‌شوند.

خیلی زود کلاه به سمت رز می‌رود، رز حسابی نگران است و منتظر شنیدن سرنوشتش است.

کلاه کلاس‌بندی:

من کلاه مشهورم
سال‌هاست که اینه کارم
رو کله‌شون می‌شینم
فکرهاشون رو می‌خونم

کارم رو انجام می‌دم
تو سختی و آسونی
پس منو رو سرت بذار تا بدونی
توی کدوم خونه باید بمونی...
رز گرنجر- ویزلی.

کلاه را روی سر رز می‌گذارند.

گریفیندور!

صدای تشویق گریفیندوری‌ها بلند می‌شود و رز به طرف‌شان می‌رود.

رز

دامبلدور^۲ رو شکر!

اسکوپیوس می‌دود و در حالی که کلاه کلاس‌بندی به او خیره شده، جای رز را می‌گیرد.

-
1. Gryffindor
 2. Dumbledore

کلاه کلاس‌بندی
اسکورپیوس مالفوی.

کلاه را روی سر اسکورپیوس می‌گذارند.

اسلیترین!

اسکورپیوس که کاملاً انتظار این اتفاق را داشت، با حرکت سر، حرف کلاه را تأیید می‌کند و لبخند نصفه و نیمه‌ای می‌زند. اسلیترینی‌ها تشویق می‌کنند و اسکورپیوس به آن‌ها می‌پیوندد.

پالی چپمن
خب این‌که معلوم بود.

آلبوس با سرعت جلوی صحنه می‌آید.

کلاه کلاس‌بندی
آلبوس پاتر.

کلاه را روی سر آلبوس می‌گذارند... به نظر می‌رسد کلاه این‌بار به وقت بیشتری نیاز دارد... انگار حسابی گیج شده باشد.

اسلیترین!

همه ساکت می‌شوند.

سکوتی سنگین و عمیق.

سکوتی که کف زمین نشست، کمی تکان می‌خورد و با خودش خرابی به همراه دارد.

پالی چپمن
اسلیترین؟